

شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

تعرض، ایراد صدمه و آهانت



محمدرضا یزدانیان - مدیرکل حقوقی سازمان قضایی ن.م

فهرست ایراد صدمه

محافظت افراد و اماکن و تأسیسات و حفظ فرامین و دستورات در مقابل غافل‌گیری یا حمله دشمن در یک نقطه یا منطقه یا محل معینی گمارده شده باشد. در آیین‌نامه پاسداری نیروهای مسلح نیز نگهبان موظف شده کلیه مقررات تأمینی و استحضاطی محل نگهبانی خود را رعایت کند و اگر ابهامی در خصوص مقررات مربوط داشته باشد باید قبل از اعزام به محل نگهبانی توضیحات لازم را از پاسبخش بخواهد.

۴- مراقب در لغت به معنای مراقبت کننده، مواظب و نگهبان آمده است.^(۳)

در فرهنگ واژه‌های نظامی مراقبت به معنای دیده‌بانی مداوم از یک منطقه، بازدید، بررسی، تجسس، آزمایش و طبقه‌بندی مهمات و مواد منفجره در حرکت و تجسس پنهانی از یک شخص، محل یا سازمان آمده است.^(۳)

در آیین‌نامه پاسداری نیروهای مسلح نیز مراقب در ترکیب عوامل پاسدار، در کنار نگهبان آمده است، همچنین در فصل سوم آیین‌نامه مزبور، مقررات مربوط به مراقبین بازداشت‌شدگان به طور مشروح ذکر شده است.

۵- نگهبانی که مورد تعرض قرار می‌گیرد با توجه به تعریف نگهبان به شرح تبصره ماده (۴۳) باید مسلح باشد، لیکن در مورد مأمور مراقب از مجموع مقررات موجود چنین شرط و قیدی استنباط نمی‌شود، شاید به همین دلیل در مواد (۴۵)، (۴۶) و (۵۰) واژه "مراقب" در کنار واژه "نگهبان" آمده باشد تا در مواردی که نمی‌توان از عنوان نگهبان استفاده کرد، واژه "مراقب" بتواند مانع قانونی را رفع کند.

کمیسیون مشورتی قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این سؤال که: «آیا نگهبان و مراقب مترادف هستند یا اینکه وجه افتراق بین آنها داشتن سلاح است؟ چنین اظهار نظر کرده است: هر چند که نسبت نگهبان و مراقب به شرح مقرر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح رابطه عموم و خصوص مطلق است یعنی هر نگهبانی مراقب محسوب می‌شود ولی بعضی از مصادیق مراقبت‌ها نگهبان محسوب

مراقب "عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد که به صورت فعل مثبت مادی می‌باشد. تعرض در لغت به معنای دست درازی کردن، پرخاش کردن، عتاب کردن و روی برگردانیدن، آمده است.^(۱)

به نظر می‌رسد معنای اصطلاحی و مفهوم حقوقی تعرض دقیقاً منطبق با معنای لغوی آن نباشد. در صورتی می‌توان فرد را تحت عنوان تعرض به نگهبان یا مراقب تحت تعقیب کیفری قرارداد که حداقل درگیری فیزیکی و بدنی با نگهبان یا مراقب داشته باشد؛ در غیر این صورت صرف پرخاش یا آهانت را نمی‌توان تعرض به نگهبان تلقی کرد. مؤید این نظر ماده (۴۶) همین قانون است که آهانت به نگهبان یا مراقب را تحت عنوان مجرمانه مستقل پیش‌بینی کرده است. در بند "پ" ماده ۱۶۰ آیین‌نامه پاسداری نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هیچ کس و هیچ مقامی حق ندارد به نگهبان تعرض کند.»

۳- نگهبان در تبصره ماده (۴۳) همین قانون تعریف شده است. برابر مقررات تبصره مزبور، نگهبان، مأمور (اعم از نظامی و انتظامی) مسلحی است که مراقبت و حفاظت یک محل یا یک منطقه یا یک مقام معین به او واگذار شده باشد. برابر مقررات نیروهای مسلح، نگهبان سربازی است که به منظور دیده‌بانی و مراقبت،

ماده (۴۵): «هر نظامی در حین خدمت یا در ارتباط با آن، به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی تعرض نماید به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

الف - چنانچه مرتکب با سلاح تعرض نماید به حبس از سه تا پانزده سال.

ب - چنانچه مرتکب بدون سلاح تعرض نماید به حبس از دو تا پنج سال.

تبصره - چنانچه در اثر تعرض صدمه‌ای به نگهبان یا مراقب وارد آید که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو شود، مرتکب حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می‌گردد.»

شرح ماده ۴۵

۱- مرتکب جرم: هر نظامی می‌تواند مرتکب این جرم باشد، منظور از "هر نظامی" همچنان که در شرح مواد قبل از نظر گذشت، عبارت است از: «کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته، کارکنان ناجا، کارکنان وظیفه و محصلان نیروهای مسلح و افرادی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند و برابر قوانین استخدامی نیروهای مسلح در مدت مزبور، از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند.»

۲- رکن مادی بزه: تعرض به نگهبان یا

نمی‌شوند. اما از جهت حمایت کیفری قانونگذار به شرح مواد (۴۵)، (۴۶) و (۵۰) قانون مزبور به مراقبت به معنای خاص (نگهبانی مسلحانه) و سایر مصادیق مراقبت (مراقبت غیر مسلحانه) کسان نگریسته است.^(۴)

۶- تعرض به نگهبان یا مراقب باید در حین خدمت یا در ارتباط با آن باشد، همچنین ارتکاب عمل باید در رابطه با انجام وظیفه نگهبان یا مراقب باشد در غیر این صورت عمل ارتكابی مشمول مقررات ماده نمی‌شود.

البته شرط اول یعنی ارتکاب فعل مجرمانه در حین خدمت و یا در ارتباط با آن، صحیح و اصولی است؛ لیکن شرط دوم یعنی تعرض در رابطه با انجام وظیفه نگهبان یا مراقب قابل دفاع نیست زیرا اولاً اصل بر این است که نگهبان یا مأمور مراقب در طول مدت نگهبانی خود فقط وظیفه نگهبانی خود را انجام دهد و تمامی حواس او بر انجام دقیق امر نگهبانی متمرکز باشد.

ثانیاً: تفکیک عمل در رابطه با انجام وظیفه و یا غیر از انجام وظیفه مشکل است و نیازی هم به این مرزبندی و تفکیک نیست چون آنچه مهم است و موضوعیت دارد نگهبان بودن فرد و اصل عدم تعرض به نگهبان بر هر علتی به لحاظ حفظ انتظام و تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح است. نتیجه این بحث و اعمال شرط مزبور این خواهد بود که اگر فردی نگهبان یا مراقب را به علیی که ارتباط به انجام وظیفه وی نداشته باشد، مورد تعرض قرار دهد مشمول مقررات این ماده نخواهد شد.

۷- اگر نگهبان از حدود وظایف و اختیارات خود خارج شود و بر خلاف مقررات به شخصی تعرض و یا حمله کند، چنانچه فرد نظامی مورد تعرض با رعایت موازین قانونی از نفس یا عرض یا ناموس و یا مال خود در برابر تجاوز و یا خطر قریب الوقوع دفاع کند و در نتیجه به نگهبان تعرضی صورت گیرد، موضوع مشمول مقررات این ماده نمی‌شود. ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی در این مورد اشعار می‌دارد: «مقاومت در برابر قوای تأمین و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام

وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.» اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در یک نظریه مشورتی اعلام کرده که اگر کارمند دولت در حین انجام وظیفه مرتکب ایراد ضرب شود و سپس مضروب او را بزند عمل ضارب اهانت به مأمور دولت تلقی نمی‌شود.^(۵)

۸- عنصر معنوی جرم: جرم موضوع ماده (۴۵) از جرایم عمدی است؛ لذا سوء نیت یا قصد عام مرتکب جهت تحقق بزه کفایت می‌کند و نیازی به قصد یا سوء نیت خاص نیست. به عبارت دیگر قصد و اراده و نیت مرتکب بر تعرض به نگهبان یا مراقب یا آگاهی او نسبت به نامشروع بودن عمل ارتكابی، به عنوان رکن معنوی جرم لازم و کافی است.

۹- مجازات مرتکب چنانچه تعرض با سلاح اعم از سرد و گرم باشد حبس از سه تا پانزده سال و در صورتی که بدون سلاح باشد حبس از دو تا پنج سال خواهد بود. اگر در اثر تعرض صدمه‌ای به نگهبان یا مراقب وارد شود که موجب قتل یا جرح یا نقص عضو وی گردد مرتکب علاوه بر مجازات حبس، حسب مورد به قصاص یا دیه نیز محکوم می‌شود.

۱۰- اگر تعرض موجب قتل نگهبان یا مراقب

در مورد مسؤول نظامی به نظر می‌رسد تعریف مشخصی از این واژه در مقررات نیروهای مسلح و فرهنگ واژه‌های نظامی ارائه نشده باشد، لیکن با عنایت به اینکه این واژه در کنار "فرمانده" آمده است منظور از آن هر یک از "رؤسا" یا "مدیران" یا سایر افرادی هستند که در ردیف فرماندهی بوده ولی عنوان خاص "فرمانده" ندارند.

شود و مرتکب به هر علت قصاص نشود؛ این سؤال به نظر می‌رسد که آیا موضوع از لحاظ جنبه عمومی مشمول مقررات ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی می‌شود یا ماده ۴۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح؟

در پاسخ باید گفت با عنایت به اینکه موضوع مشمول عناوین هر دو ماده مورد اشاره می‌شود لذا مقررات تعدد معنوی حاکم می‌شود و مجازات اشد تعیین می‌شود. به عبارت دیگر اگر قتل نگهبان یا مراقب بدون سلاح صورت گرفته باشد مجازات ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی که اشد از مجازات بند "ب" ماده (۴۵) است تعیین می‌شود.

لیکن اگر قتل با استفاده از اسلحه به وقوع پیوسته باشد مجازات بند "الف" ماده (۴۵) که نسبت به مجازات مذکور در ماده (۶۱۲) اشد است، مورد حکم قرار می‌گیرد.

ماده (۴۶): «هر نظامی در حین خدمت به نحوی به نگهبان یا مراقب در رابطه با انجام وظیفه وی اهانت نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود؛ مگر آن که ادا مصداق قذف باشد که به مجازات آن می‌شود.»

شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: "هر نظامی" که شرح آن در

ماده قبل از نظر گذشت مرتکب جرم می‌باشد

۲- عنصر مادی جرم: اهانت به نگهبان یا

مراقب، رکن مادی جرم را تشکیل می‌دهد.

اهانت یکی از ردایلی و صفات مذموم تلقی

است که در مذمت و نکوهش آن احادیث

متعددی از سوی پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه

معصومین (ع) نقل شده است. پیامبر گرامی

اسلام (ص) در این مورد می‌فرمایند: اذَلُّ النَّاسِ

مَنْ أَهَانَ النَّاسَ: "خوارترین مردم کسی است که

مردم را خوار شمارد."^(۶)

فرماندهی معظم کل قوا خطاب به فرماندهان

عالی رتبه نیروهای مسلح، هنگام ابلاغ آیین‌نامه

انضباطی اظهار داشته‌اند: "اهانت را ریشه کن

کنید، اهانت ممنوع است، هیچ کس حق اهانت به

دیگری را ندارد، هر کس هم اهانت کرد، مجازات شود. اهانت را در کلمات، در برخوردها مطلقاً از بین ببرید، ریشه کن کنید که خلاف شئون اسلامی است.»^(۷)

۳- اهانت در لغت به معنای خوار کردن، پست کردن و سبک شمردن آمده است.^(۸)

در اصطلاح حقوقی منظور از اهانت هر گونه گفتار یا فعل یا ترک فعل است که با توجه به شخصیت و موقعیت اجتماعی طرفین و در نظر گرفتن عرف و عادت، زمان و مکان و سایر اوضاع و احوال قضیه به نحوی از انحاء موجب تحقیر و خوار شمردن شخصی شود.

بنابراین اهانت ممکن است به صورت گفتار یا رفتار (فعل یا ترک فعل) یا نوشتار به شکل مستقیم یا غیر مستقیم باشد. عبارت «به نحوی به نگهبان یا... اهانت نماید» مؤید این برداشت است. در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «قید کلمه توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک... تمثیلی است و منحصر به توهین لفظی نمی باشد.»^(۹)

ماده ۱۵۱۳، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای «۷» و «۸» ماده (۶) مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۷۹/۱۰/۴ نظر مجلس شورای اسلامی در خصوص موضوع استفسار مبنی بر: «آیا منظور از عبارت « اهانت، گفتار یا فعل مثبت مادی و به شیوه حضوری و مستقیم قابل تصور است.

به موجب قانون استفسار به نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای «۷» و «۸» ماده (۶) مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۷۹/۱۰/۴ نظر مجلس شورای اسلامی در خصوص موضوع استفسار مبنی بر: «آیا منظور از عبارت « اهانت،

اگر فردی نگهبان یا مراقب را به علی که ارتباط به انجام وظیفه وی نداشته باشد، مورد تعرض قرار دهد مشمول مقررات ماده ۴۵ خواهد شد.

توهین و یا هتک حرمت مندرج در قوانین جزایی از جمله مواد مزبور، عبارت است از به کار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت، آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می باشد یا خیر؟ بدین شرح اعلام شده است: «از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ کردن عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص، موجب تحقیر و تحقیر آنان شود و یا عدم حضور الفاظ، توهین تلقی نمی گردد.»

در یک رأی دیوان عالی کشور آمده است: «فحش بودن یا فحش نبودن یک لفظ مفهومی است که به اعتبار زمان و مکان تغییر پذیر می باشد و تشخیص آن با در نظر گرفتن عرف و عادت و زمان و مکان و شخصیت طرفین بر عهده دادگاه است. ولی آنچه ضرورت دارد این است که دادگاه باید لفظ یا عملی را که توهین آور تشخیص داده است به طور کامل در دادنامه ذکر کند و اجمال در این مورد از موجبات نقض فرجامی خواهد بود.»^(۱۰)

۴- توهین به نگهبان یا مراقب باید در حین خدمت مرتکب و همچنین در رابطه با انجام وظیفه افراد مزبور باشد در غیر این صورت مشمول مقررات ماده نخواهد شد.

۵- به نظر می رسد در توهین به نگهبان یا مأمور

مراقب ارتجالی بودن اهانت شرط باشد؛ هرچندکه در شرط ارتجالی بودن توهین، نظر مخالف نیز وجود دارد. اما در مورد عنوان مجرمانه توهین به نگهبان، با توجه به فلسفه وضع مقررات مزبور که حفظ اقتدار و شأن و رعایت حرمت عوامل پاسدار که در نهایت باعث تحکیم مبانی نظم و انضباط در نیروهای مسلح می شود، است چنانچه خود نگهبان رعایت شأن و حرمت و جایگاه خود را نکند و با نادیده گرفتن ارزش های اخلاقی و انضباط معنوی فرد یا افرادی را مورد اهانت قرار دهد و فرد مورد اهانت در مقام پاسخ به توهین باشد و این امر ثابت شود، اصل تفسیر قوانین جزایی اقتضاء می کند که این حالت را مشمول مقررات این ماده ندانیم؛ البته مشروط بر اینکه بین عمل مرتکب و پاسخ آن فاصله زمانی غیر متعارف نباشد.

اداره حقوقی قوه قضاییه در یک نظریه مشورتی اعلام کرده است: «در توهین ارتجالی بودن عمل شرط است. بنابراین اگر کسی مورد اهانت قرار گیرد و در پاسخ اقدام به توهین نماید، مشمول حکم این ماده نیست.»^(۱۱)

۶- در صورتی که مرتکب علاوه بر اهانت نسبت به نگهبان، او را مورد ضرب نیز قرار دهد، موضوع مشمول مقررات تعدد مادی جرم می شود.

۷- عنصر معنوی جرم: جهت تحقق بزه اهانت، سوء نیت یا قصد عام و سوء نیت یا قصد خاص لازم است.

یعنی مرتکب باید علم و آگاهی نسبت به نامشروع بودن عمل ارتكابی و اینکه عمل ارتكابی اعم از گفتار یا رفتار یا نوشتار اهانت آمیز است، داشته باشد و از طرفی مرتکب باید قصد تحقیر و خوار شمردن طرف را نیز دارا باشد.

یکی از حقوقدانان در این مورد چنین اظهار نموده است: «ممکن است گفته شود برای تحقق جرم توهین، همان سوء نیت عام کفایت می کند؛ با این توضیح که علم و آگاهی مرتکب نسبت به اینکه الفاظ یا نوشته ها یا افعال به کار رفته موجب تحقیر دیگری می شود، لازم است. پس وقتی مرتکب معنای الفاظ یا نوشته ها یا افعال را

می‌داند و عمداً آن‌ها را به کار می‌برد سوء نیت عام دارد و نیاز به سوء نیت دیگری ندارد. این گفته تعبیر دیگر همان قصد تحقیر است؛ زیرا وقتی مرتکب معنای لفظ یا نوشته یا فعل خود را می‌داند و آن را به کار می‌برد معنایش آن است که قصد تحقیر داشته است که همان سوء نیت خاص می‌باشد.»^(۱۳)

در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «... در اهانته، قصد هم لازم است؛ یعنی اهانت کننده باید قصد اهانت داشته باشد. ولی اگر قصد اهانت نداشته باشد، سخن یا عمل او اهانت نخواهد بود.»^(۱۴)

۸- مجازات مرتکب دو ماه تا یک سال حبس تعزیری است؛ مگر آن که اهانت مصداق کذب باشد که به مجازات آن محکوم می‌شود. در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح سال ۷۱ در ماده (۲۸) آمده بود که اگر اهانت کذب باشد مرتکب به مجازات آن نیز محکوم می‌شود. هر چند که قانون جدید با اصول حاکم بر جرایم و مجازات‌ها و اجرای عدالت کیفری از لحاظ تعیین مجازات واحد برای فعل مجرمانه واحد سازگاری و انطباق دارد اما با توجه به اینکه کذب دارای مجازات حد است و اجرای حد کذب به استناد تبصره ماده (۱۴۰) قانون مجازات اسلامی منوط به مطالبه مقذوف است و در برخی موارد نیز مقذوف غیر از مخاطب می‌باشد، بنابراین در صورتی که مقذوف از حق خود گذشت کند موجهی جهت اعمال مجازات تعزیری وجود ندارد. در صورتی که اهانت ساده و سبک‌تر از کذب برابر مقررات ماده (۴۶) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مستوجب دو ماه

ماده (۴۸): «هر نظامی

حین خدمت یا در ارتباط با

آن، به مافوق خود اهانت

کند به حبس از دو ماه تا

یک سال محکوم می‌شود.

تبصره - در صورتی که

اهانت وی مصداق کذب

باشد به مجازات آن محکوم

می‌شود.»

تا یک سال حبس خواهد بود و غیر قابل گذشت نیز می‌باشد. البته اگر کذب موضوع ماده (۱۴۴) قانون مجازات اسلامی باشد، مرتکب نسبت به مقذوف، مستوجب اجرای حد بوده و نسبت به مخاطب که به واسطه کذب اذیت شده است تا (۷۴) ضربه شلاق تعزیر می‌شود که در این مورد خاص نیز در صورت گذشت مقذوف مجازات تعزیری تعیین شده سبک‌تر از مجازات تعزیری مذکور در ماده (۴۶) است. گرچه به نظر می‌رسد اعتقاد تدوین کنندگان لایحه قانون جدید مجازات جرایم نیروهای مسلح پیروی از سبک و روش قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح بوده، اما در نهایت روش موجود یعنی تعیین مجازات واحد به تصویب نهایی رسید و مجازات مرتکب در فرض بحث، مسکوت ماند که ان شاء... در اصلاحات قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح این خلاء قانونی رفع شود.

ماده (۴۷): «هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن، نسبت به مافوق خود عمداً مرتکب ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل شود، علاوه بر محکومیت به قصاص یا دیه، حسب مورد به شرح ذیل محکوم می‌شود:

الف- در صورتی که با سلاح باشد به حبس از سه تا پانزده سال.

ب- چنانچه بدون سلاح باشد و موجب قتل گردد به حبس از سه تا پانزده سال و اگر موجب جرح یا نقص عضو شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از دو تا پنج سال.»

شرح ماده:

۱- عنصر مادی جرم: «ضرب یا جرح یا نقص عضو و یا قتل مافوق» رکن مادی جرم را تشکیل می‌دهد. هر چند که واژه «نقص عضو» در کنار ضرب و جرح آمده است، لیکن با عنایت به اینکه آثار ضرب و جرح ممکن است به شکل نقص عضو یا شکستن یا از کار افتادن عضو یا از کار افتادن یا نقص یکی از حواس و یا صور دیگر بروز کند لذا عبارت «نقص عضو» حصری نبوده و موضوعیت ندارد. به عبارت دیگر ماده شامل هر گونه آثاری که در اثر ضرب و جرح به وجود آید می‌شود.

۲- جرم موضوع ماده (۴۷) علاوه بر جنبه خصوصی، دارای جنبه عمومی نیز است و مجازات تعزیری آن منوط به تحقق شروط خاصی مانند اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران که در ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی آمده نیست. به عبارت دیگر جنبه عمومی بزه ایراد ضرب و جرح مافوق از نظر مقنن مفروض و مسلم است. اداره حقوقی قوه قضاییه در خصوص جنبه عمومی موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی اعلام کرده: «... در صورتی که اقدام ضارب موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد یا آلت جرح اسلحه یا چاقو باشد، در صورت گذشت شاکمی، مرتکب به مجازات‌های مندرج در ماده (۶۱۴) محکوم می‌شود.»^(۱۵)

۳- منظور از مافوق یا بالادست، افسر یا درجه

داری است که نسبت به افسر و یا درجه دار از درجه بالاتری بر خوردار باشد و بالادست مساوی بودن درجه، شغل سازمانی و یا بالاتر باشد. مادون یا زیر دست عکس این حالت را دارد. بنابراین ممکن است فردی در یکگان محل خدمت خود مافوق عده‌ای و مادون عده‌ای دیگر باشد.

به نظر می‌رسد منظور از عبارت «مافوق خود» شخصی است که در سلسله مراتب فرماندهی و مادون یا یگان و سازمان متبوع او قرار دارد و شامل هر فرد بالادست نمی‌شود. اداره حقوقی قوه قضاییه تفسیر و نظر مضیق تری در این مورد دارد؛ براساس نظریه مرجع مزبور: «جمله... به مافوق خود به نحوی از انحاء اهانت نماید...»

مندرج در ماده (۳۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۷۱ (ماده ۴۸ قانون جدید)، در ارتباط مستقیم با شخصی است که فرد مادون در واحد مربوطه به عنوان مافوق باید از او اطاعت کند. این کلمه خود مبین این تخصیص است. به عبارت دیگر «مافوق خود» یعنی شخصی که سمت فرماندهی و ریاست بر او دارد و لذا نمی‌توان مافوق را تعمیم و آن را نسبت به کلیه کسانی که نسبت به اهانت کننده مافوق تلقی

می‌گردند، تسری داد.^(۱۵)

۴- عنصری معنوی جرم: این جرم از جرایم عمدی بوده و قصد ارتکاب عمل مجرمانه یعنی قصد ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل مافوق به عنوان رکن روانی و معنوی بزه لازم است. ضمن اینکه مرتکب باید به مافوق بودن فرد نیز علم و آگاهی داشته باشد.

۵- اگر ارتکاب بزه در حین خدمت نباشد ولی در ارتباط با آن باشد در این صورت هم موضوع مشمول مقررات ماده می‌شود. به عبارت دیگر محل وقوع جرم تأثیری در تحقق آن ندارد. این امر در مورد مواد (۴۵)، (۴۸)، (۵۰) و (۵۲) هم مصداق دارد.

۶- اگر ایراد ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل مافوق با رعایت شرایط مقرر در قانون، در مقام دفاع مشروع باشد مشمول مقررات ماده در این مورد در شرح ماده (۴۵) توضیح لازم نشده است.

۷- مجازات مرتکب علاوه بر محکومیت به قصاص یا دیه (حسب مورد) در صورتی که عمل ارتكابی با سلاح باشد چس از سه تا پانزده سال و چنانچه بدون سلاح باشد، در مورد قتل سه تا پانزده سال و در صورت جرح یا نقص عضو دو تا ده سال و در غیر این صورت دو تا پنج سال حبس خواهد بود. ضرب یا جرح یا نقص عضو یا قتل که عمل ارتكابی با سلاح باشد یکسان پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد تفکیک مجازات ضرب و جرح از قتل با استفاده از سلاح به روش مذکور در بند "ب" با اجرای عدالت سازگاری بیشتری داشته باشد.

۸- سلاح اعم است از سلاح گرم و سرد. ماده (۴۸): «هر نظامی حین خدمت یا در ارتباط با آن، به مافوق خود اهانت کند به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

تبصره- در صورتی که اهانت وی مصداق قذف باشد به مجازات آن محکوم می‌شود.

۱- عنصر مادی بزه "اهانت به مافوق" است. ۲- برخلاف مقررات مواد (۴۵) و (۴۶) نیازی نیست که اهانت به مافوق در ارتباط با انجام وظیفه

وی باشد. به عبارت دیگر در حال انجام وظیفه بودن یا نبودن مافوق تأثیری در تحقق عنوان مجرمانه مزبور ندارد، لیکن مرتکب باید در حین خدمت باشد یا در ارتباط با خدمت، به مافوق اهانت کند.

اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۱۶۰-۷/۱۱/۳ در پاسخ به این سؤال که آیا لازمه تحقق بزه اهانت به مأمور دولت حین انجام وظیفه این است که مأمور در محل کار و در پشت میز کارش مورد اهانت واقع شود یا اهانت در محل اداره نیز از مصادیق اهانت حین انجام وظیفه محسوب می‌شود یا خیر؟ چنین اظهار نظر کرده است: «از لحظه‌ای که کارمند در محل خدمت حضور یابد تا لحظه ترک محل، پیوسته در حین انجام وظیفه بوده و در صورتی که مورد اهانت واقع شود از مصادیق جرم موضوع ماده (۸۷) قانون تعزیرات (۶۰۹ قانون مجازات اسلامی) است.»^(۱۶)

۳- در جرم توهین، حضور توهین‌شونده شرط نیست و بدون حضور او نیز بزه محقق می‌شود. در این مورد یکی از حقوق‌دانان می‌نویسد: «در تحقق جرم توهین فرقی نمی‌کند که توهین‌شونده حضور داشته باشد یا غایب باشد، اهانت به مردگان همان‌گونه که در آیین‌نامه امور خلافی آمده است جرم محسوب می‌شود.»^(۱۷)

در بند "۱۳" از ماده یکم آیین‌نامه امور خلافی مصوب سال ۱۳۲۴ وزارت دادگستری، عمل کسانی که برخلاف شعائر مذهبی یا آداب ملی به مردگان در ملاء عام اهانت کنند جرم از نوع امور خلافی محسوب شده است.

در مورد توهین به مأمور دولت در حین انجام وظیفه به نظر می‌رسد حضور توهین‌شونده شرط باشد، کمیسیون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این استعلام که آیا توهین موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و مواد (۴۶)، (۴۸) و (۴۹) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح بایستی حضوری باشد یا اینکه به صورت غیر حضوری هم قابل تحقق می‌باشد؛ چنین اعلام نظر کرده است: «حضور

به نظر می‌رسد منظور از عبارت "مافوق خود" شخصی است که در سلسله مراتب فرماندهی فرد مادون یا یگان و سازمان متبوع او قرار داشته باشد و شامل هر فرد بالادست نمی‌شود. اداره حقوقی قوه قضاییه تفسیر و نظر مضیق تری در این مورد دارد

توهین‌شونده در زمان توهین شرط تحقق بزه موضوع ماده (۶۰۸) قانون مجازات اسلامی نیست و به صورت غیر حضوری نیز قابل تحقق است، لیکن توهین به مأمورین رسمی موضوع ماده (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و مواد (۴۶) و (۴۸) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح با عنایت به قید "در حال انجام وظیفه" و "در حین خدمت" در مواد قانونی مزبور، چنانچه در حال انجام وظیفه یا حین خدمت صورت گیرد، حضور توهین‌شونده شرط تحقق بزه مواد قانونی مزبور است. لیکن چنانچه توهین به سبب انجام وظیفه صورت گیرد حضور توهین‌شونده در این صورت نیز شرط تحقق بزه مزبور نیست.»^(۱۸)

۴- در مورد تعریف و خصوصیات "مرتکب جرم"، "مافوق"، "عناصر عمومی و ارکان اختصاصی" و "مجازات"، "عنوان مجرمانه"، "اهانت" توضیحات لازم در شرح مواد (۴۵)، (۴۶) و (۴۷) بیان شد. ماده (۴۹): «هر یک از فرماندهان و مسؤولان نظامی به افراد تحت امر خود اهانت و یا خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین‌نامه انضباطی آنان را تنبیه نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم و هرگاه به موجب قوانین جزایی دیگر مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد به آن مجازات نیز محکوم می‌شود.»

✓ شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: هر یک از فرماندهان و مسؤولان نظامی می‌توانند مرتکب جرم موضوع این ماده باشند. منظور از فرمانده، فرد نظامی است که به لحاظ شغل یا درجه یا مقام و مسؤولیتی که

به او واگذار شده است. مسؤولیت هدایت و فرماندهی یک یگان یا واحد را دست او دارد. فرمانده تنها کسی است که در قبال اعمال و اقداماتی که یگان یا واحد انجام می دهد، پاسخگو است و مسؤولیت دارد. در مورد مسئولیت نظامی به نظر می رسد تعریف مشخصی از این واژه در مقررات نیروهای مسلح و فرهنگ واژه های نظامی ارائه نشده باشد، لیکن با عنایت به اینکه این واژه در کنار "فرمانده" آمده است منظور از آن هر یک از "رؤسا" یا "مدیران" یا سایر افرادی هستند که در ردیف فرماندهی بوده ولی عنوان خاص "فرمانده" ندارند.

به هر حال مسؤولان نظامی نیز مانند فرماندهان برابر مقررات و در چارچوب آیین نامه انضباطی حق تنبیه افراد تحت امر خود را دارند.

۲- عنصر مادی جرم: رکن مادی جرم از دو جزء: «الف» اهانت به افراد تحت امر یا مادون. «ب» تنبیه افراد تحت امر یا مادون» تشکیل می شود.

موضوع ماده صرفاً شامل افراد مادونی می شود که تحت امر یا فرماندهی اهانت کننده قرار می گیرند و شامل هر مادونی نمی شود. در مورد اهانت به مافوق نیز موضوع مقید به این است که مافوق در سلسله مراتب فرماندهی فرد مادون یا یگان و سازمان متبوع او قرار داشته باشد و شامل هر فرد بالادست نمی شود.

۳- هر نظامی که مرتکب تخلف شود در خصوص وی تنبیه انضباطی توسط فرمانده مربوطه اعمال می شود. تخلفات و تنبیهاات انضباطی و مقاماتی که حق اعمال تنبیهاات را دارند در مواد (۱۱۶) و (۱۱۷) و جداول پیوست آیین نامه انضباطی تصریح شده است. حال اگر فرمانده خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی افراد تحت امر خود را تنبیه کند مرتکب جرم موضوع این ماده شده است.

۴- منظور از "تخلف" انجام هر عمل یا ترک فعلی است که برخلاف مقررات و دستورات و نظم و ترتیب و شئون جامعه نیروهای مسلح باشد و تخلفاتی که تنبیه آن در اختیار فرماندهان، رؤسا و

مدیران گذاشته شده است، "تخلفات انضباطی" نامیده می شود.
۵- هدف از تنبیه، اصلاح فرد متخلف و تنبیه و آگاهی دیگران است و تنبیه نباید جنبه انتقامی داشته باشد و هر هم فرمانده رئیس و یا مدیر متوجه شود اختیارات او از لحاظ اجرای تنبیهاات به اندازه ای نیست که بتواند تنبیه مناسبی نسبت به متخلف اعمال کند. در حدود اختیارات متخلف را تنبیه کرده و نسبت به تنبیه بیشتر از اختیارات خود، از مقام بالاتر تقاضا می نماید.^(۳)

۶- در ماده (۳۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب سال ۷۱ آمده بود: «هر یک از فرماندهان و مسؤولین خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی به افراد تحت امر خود اهانت یا آنها را تنبیه نماید به حبس ... محکوم می شود.» از مفهوم مخالف عبارت مذکور استنباط می شد که فرماندهان و مسؤولین هر حدود اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی حق دارند به افراد تحت امر اهانت کنند، در صورتی که اهانت در هر صورت ممنوع است. در قانون جدید این نقیصه نگارشی رفع شده و کلمه "اهانت" قبل از عبارت "خارج از محدوده اختیارات فرماندهی و آیین نامه انضباطی" قید شده است.

۷- مجازات مرتکب، حبس از دو ماه تا یک سال خواهد بود و در صورتی که عمل ارتكابی مستلزم حد یا قصاص یا دیه باشد، به مجازات آن نیز محکوم می شود. منظور از مجازات حد، حد قذف است؛ یعنی اگر اهانت از مصادیق قذف باشد به مجازات قذف نیز محکوم می شود. در این ماده نقص موجود در مواد (۴۶) و (۴۸) رفع شده است. برابر مقررات مادتهین مزبور در صورتی که اهانت مصداق قذف داشته باشد توهین کننده فقط به مجازات قذف محکوم می شود که به مشکلات اجرایی این مواد در خصوص گذشت مقذوف اشاره شد. بنابراین در مورد موضوع این ماده چنانچه اهانت از مصداق قذف باشد و مقذوف گذشت کند، مجازات تعزیری به قوت خود باقی است.

۸- جرم موضوع این ماده از جرایم غیر قابل گذشت بوده و در صورت گذشت شاکی خصوصی صرفاً اجرای مجازات های قصاص یا دیه یا قذف موقوف می شود.

ماده (۵۰): «هر نظامی که حین خدمت یا در ارتباط با آن، مافوق خود یا مراقب یا نگهبانی را در ارتباط با انجام وظیفه آنان تهدید نماید، به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می شود.» شرح ماده:

۱- مرتکب جرم: مرتکب جرم "هر نظامی" است که مصادیق آن در ماده یک همین قانون ذکر شده و توضیح آن در مواد قبل بیان شد.

۲- عنصر مادی جرم: رکن مادی یا عملیات اجرایی بزه "تهدید مافوق، نگهبان و مأمور مراقب" است. تهدید در لغت به معنای ترساندن، بیم دادن و وعده به شر آمده است.

۳- طرف جرم یا مجنی علیه این بزه "مافوق" و "نگهبان" و "مراقب" است که توضیح آن به تفصیل در مواد قبل از نظر گذشت.

۴- تهدید اعم است از تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا افشای سری نسبت به مافوق، یا نگهبان و یا مراقب. در تهدید به قتل، مرتکب مافوق یا نگهبان یا مراقب را از گشتن می ترساند. در تهدید به ضررهای نفسی مرتکب افراد یاد شده را از صدمات بدنی و جسمانی می ترساند. در تهدید به ضررهای شرفی، آبرو و حیثیت شرف افراد مزبور تهدید می شود. در تهدید مالی، سوال و دارایی مافوق یا نگهبان یا مراقب مورد تهدید قرار می گیرد و بالاخره در تهدید به افشای سری، مرتکب افراد یاد شده را به افشاء و برملاء و آشکار ساختن یا امر پوشیده و نهفته و مکتم آنان تهدید می کند.

سؤالی که پیش می آید این است که آیا تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سری نسبت به بستگان مافوق یا نگهبان و یا مراقب نیز مشمول مقررات ماده می شود یا خیر؟ در پاسخ باید گفت با عنایت به اینکه در ماده صرفاً به مافوق یا نگهبان و یا مراقب، آن هم در ارتباط با انجام وظیفه آنان اشاره شده است، لذا

قاعده منع تفسیر موسع قوانین جزایی و تفسیر به نفع متهم اقتضاء می‌کند که تهدید بستگان افراد یادشده را مشمول مقررات ماده ندانیم و در صورت تحقق چنین امری موضوع مشمول مقررات ماده (۶۶۹) قانون مجازات اسلامی می‌شود.

۵- درخواست مال یا وجه یا انجام فعل یا ترک فعلی از مافوق یا نگهبان یا مراقب توسط تهدید کننده شرط تحقق جرم نیست.

۶- تهدید ممکن است شفاهی یا کتبی یا حضوری و یا غیر حضوری باشد. به عبارت دیگری تهدید به هر شکل و یا وسیله‌ای ممکن است صورت گیرد و تفاوتی نیز بین اشکال و انواع آن نیست. در قانون مجازات عمومی، مجازات

تهدید شفاهی و کتبی و همچنین تهدید به قتل یا تهدید به ضررهای نفسی و نفسی و غیره با یکدیگر تفاوت داشت. بر اساس مقررات ماده ۲۲۵ قانون مجازات عمومی: هر گاه کسی کتباً با امضاء یا بدون امضاء شخصی تهدید به قتل کند و یا به

این وسیله تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری را نماید، به حبس تأدیبی از یک الی سه سال محکوم خواهد شد و اگر تقاضای وجه یا مال یا انجام امری نماید، به حداقل مجازات مزبور محکوم می‌شود. هر گاه کسی با وسایل مزبور

شخصی را تهدید کند به ضررهای نفسی یا شرفی یا به افشای سری یا مست‌دادن اموری که موجب عیب شرف است و به این واسطه تقاضای وجه یا مالی یا تقاضای انجام امری نماید به حبس تأدیبی از یک ماه الی شش ماه محکوم می‌شود و در صورت عدم تقاضا محکوم به حداقل مجازات مزبور خواهد شد و اگر تهدید شفاهی باشد جزای آن حبس تأدیبی از پانزده روز الی یک ماه است و اعم از اینکه تقاضای وجهی یا کاری هم در آن باشد یا

نیاشد. ۷- مرتکب باید در حین خدمت یا در ارتباط با آن مافوق یا نگهبان یا مراقب را تهدید کند، همچنین لازم است تهدید در ارتباط با انجام وظیفه افراد مزبور باشد.

۸- سؤالی که قابل طرح می‌باشد این است که اگر مرتکب تهدید را عملی نیز نماید یا به

عبارت دیگر جرایم مورد تهدید اتفاق بیافتد، آیا موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی جرم می‌شود یا تعدد مادی جرم؟

در پاسخ باید گفت: «در مورد تهدید به قتل یا ضررهای نفسی، بدون تردید موضوع مشمول تعدد مادی و قاعده جمع مجازات‌ها می‌شود. چون بحث تعدد معنوی در مورد اجتماع جرایم مستوجب تعزیر با جرایم مستوجب قصاص یا دیه مصداق ندارد؛ مگر آن‌که در موارد خاص موضوع جنبه عمومی آنها مطرح باشد. صرف نظر از این

موضوع به نظر نگارنده تهدید و جرایم مورد تهدید هر یک مستقل بوده و مرتکب با رعایت قاعده تعدد مادی جرم و جمع مجازات‌ها، مجازات می‌شود؛ مگر آن‌که تهدید و جرم موضوع آن در یک زمان اتفاق بیافتد نحوی که هر فایده تهدید مقدمه عمل مزبور محسوب شود که در این مورد موضوع مشمول مقررات تعدد معنوی جرم می‌شود.»

البته در این مورد نظر مخالف نیز وجود دارد. یکی از حقوق دانان این‌گونه می‌نویسد: «مقتضای این ماده (ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی) تا وقتی قابل اعمال است که جرایم مورد تهدید، اتفاق نیافتاده باشد. اما در صورت تحقق شدن جرایم، با توجه به قاعده تعدد معنوی، مجازات اشد اعمال می‌گردد.»^(۳۱)

۹- عنصر معنوی جرم: مرتکب در صورتی قابل تعقیب است که قصد تهدید داشته باشد، در غیر این صورت مثلاً اگر ثابت شود که گفته یا نوشته‌ای بقصد شوخی بوده و نیت تهدید طرف را نداشته است، قابل مجازات نیست. همچنین علم و آگاهی مرتکب نسبت به مافوق یا نگهبان یا مراقب بودن تهدید شونده، شرط است و الا مشمول مقررات این ماده نمی‌شود.

۱۰- در قانون مجازات جرایم نیر و های مسلح سال ۷۱ تهدید نگهبان پیش‌بینی شده بود، لیکن تهدید نسبت به مافوق پیش‌بینی نشده بود که قانون جدید این نقص را مرتفع کرد.

۱۱- اداره حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این سؤال که آیا هر نوع تهدید اهانت نیز تلقی می‌شود

یا خیر؛ چنین اظهار نظر کرده است: «تهدید و اهانت، جرایم جداگانه هستند. نمی‌توان هر نوع تهدید را اهانت تلقی کرد اگر چه ممکن است تهدید با اهانت توأم باشد یا بالعکس.»^(۳۲)

۱۲- مجازات مرتکب دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود که در صورت وجود کیفیات مخففه، دادگاه می‌تواند مجازات حبس را تا یک سوم حداقل آن، تخفیف دهد و یا به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۳ همین قانون تبدیل کند.

✓ ادامه دارد
پی‌نوشت‌ها:

۱- معین - دکتر محمد - فرهنگ فارسی - جلد اول.

۲- معین دکتر محمد - فرهنگ فارسی - جلد سوم.

۳- رستمی - محمود - فرهنگ واژه‌های نظامی.

۴- نظریه شماره ۷/۳۴/۱۰۰۶ - ۸۴/۹/۲.

۵- نظریه شماره ۷/۳۲۵۳ - ۵۹/۶/۲۲.

۶- نهج الفصاحه - مترجم و فراهم آورنده ابوالقاسم پاینده.

۷- مقدمه آیین نامه انضباطی نیر و های مسلح.

۸- فرهنگ فارسی - معین.

۹- نظریه شماره ۷/۴۶۳۶ - ۷۸/۷/۳ - اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱۰- رأی شماره ۱۵۶۵ - ۱۳۱۹/۵/۱۷ - شعبه پنجم دیوان عالی کشور.

۱۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۵۳ - ۵۹/۶/۲۲.

۱۲- زراعت - دکتر عباس - شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات.

۱۳- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴۷۲ - ۷۷/۸/۱۶.

۱۴- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۶۲۱ - ۷۸/۱۰/۲.

۱۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۹۷ - ۷۳/۷/۲۱.

۱۶- نظرهای اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسایل کیفری - غلامرضا شهری - سروش ستوده جهرمی.

۱۷- زراعت - دکتر عباس - شرح قانون مجازات اسلامی - بخش تعزیرات.

۱۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۴/۲۶۹ - ۸۴/۳/۱۷.

۱۹- ماده ۱۱۰ آیین نامه انضباطی نیر و های مسلح.

۲۰- مواد ۱۱۱ و ۱۲۱ آیین نامه انضباطی ن. م.

۲۱- شرح قانون مجازات اسلامی - جلد سوم (تعزیرات)، دکتر عباس زراعت.

۲۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۲۱ - ۸۲/۱/۲۶.